



کاوش نامۀ ادبیات تطبیقی (مطالعات تطبیقی عربی - فارسی)
دانشگاه رازی، سال نهم، شماره ۳۳، بهار ۱۳۹۸، صص. ۳۹-۵۸

آرمان گرایی و واقع گرایی سیاسی در اندیشه سعدی و فارابی

معصومه شعبانی^۱

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بیرجند، ایران

علی اکبر سام خانیانی^۲

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بیرجند، ایران

حسین فرزانه پور^۳

استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه بیرجند، ایران

پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۲۴

دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۱

چکیده

در میان اندیشمندان، متفکران و ادیبان همواره دو نگاه واقع‌بینانه و آرمان‌گرایانه به مسائل اجتماعی و سیاسی وجود داشته است. در نگاه آرمانی، توجه به صور خیال و سیر در ملکوت و عالم عرش معطوف است و رنگ واقعیت‌های زمینی در معادلات و محاسبات ذهنی آرمان‌گرایان بازتاب ندارد؛ بنابراین نگاه آرمان‌گرا، نگاهی ذهنیت‌گرا و غیر کاربردی است. در مقابل آرمان‌گرایان، می‌کوشند از توانایی‌های فردی و موقعیت اجتماعی خود، شناختی صحیح و از امکان رسیدن به اهدافشان درکی واقع‌بینانه ارائه دهند. از آنجا که خاستگاه اندیشه و دستگاه فکری اندیشمندان در تحقق آرمان‌ها و اهداف آن‌ها به‌ویژه ایجاد مدل مطلوب حکومت بسیار تأثیرگذار است، بررسی مبانی اندیشه آنان در راستای ارائه راهکارهای حل مسائل اجتماعی از اهمیت حیاتی برخوردار است. براساس این، هدف نوشتار پیش رو، بازشناسی فکری و فلسفی آموزه‌های مربوط به آیین فرمانروایی و حکومت مطلوب در آثار سعدی و مطابقت آن با نظریه‌های آرمان‌شهری فارابی است. در این مقاله با استفاده از روش تطبیقی، اندیشه دو تن از نام‌آوران عرصه فلسفه و ادبیات، فارابی و سعدی با یکدیگر مقایسه می‌شوند و مدل مورد نظر هریک در قالب مدینه فاضله و جامعه ایده‌آل از منظر واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی سنجش می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نظریات سعدی تلفیقی از عمل‌گرایی و آرمان‌گرایی است؛ چنان‌که برخی نظریات فارابی نیز این‌گونه است، اما مصادیق تفاوت‌هایی باهم دارند.

واژگان کلیدی: ادبیات تطبیقی، مطالعات میان‌رشته‌ای، واقع‌گرایی، مدینه فاضله، سعدی، فارابی.

shabani65@yahoo.com

۱. رایانامه:

asamkhaniani@birjand.ac.ir

۲. رایانامه:

hfarzanepour@birjand.ac.ir

۳. رایانامه نویسنده مسئول:

۱. پیشگفتار

۱-۱. تعریف موضوع

بسیاری از ادیبان و اندیشمندان کوشیده‌اند به شیوه‌ای خردمندانه افکار سیاسی و اجتماعی و نظریات آرمانی خود را درباره حکومت مطلوب و شیوه صحیح کشورداری، در قالب آثار ادبی و هنری به مخاطبان خود منتقل نمایند. یکی از این مفاهیم که به صورت یک نظام در قالب اندیشه‌ای فراگیر در تاریخ تفکر بشری از سوی همه اندیشمندان، از جمله فلاسفه و ادیبان مورد توجه قرار گرفته، اندیشه آرمان‌شهری (حکومت مطلوب) است. این اندیشه از گذشته‌های دور آغاز شده و در وضعیت تقابل خواهانه جوامع انسانی ادامه یافته است. سعدی^(۱) و فارابی^(۲) هر دو طراحان جامعه آرمانی هستند که با وجود آرمان‌گرایی، به واقعیت‌گرایی نیز گرایش دارند.

فارابی در طراحی مدینه فاضله، آرمان‌گرای مطلق است؛ مدینه‌ای کمال یافته که اگر قرار باشد تغییری در آن ایجاد شود، به سمت سقوط و زوال است و با کوچک‌ترین تغییری، مدینه غیر فاضله به حساب می‌آید. با تبدیل مدینه فاضله به غیر فاضله، گرایش فارابی از آرمان‌گرایی به واقع‌گرایی آشکار می‌شود. این واقع‌گرایی را می‌توان در طراحی و چگونگی برخورد با مدینه‌های غیر فاضله یافت؛ اما نگاه واقع‌گرای سعدی را می‌توان در گلستان جستجو کرد (ر.ک: جوکار، ۱۳۸۵: ۷۴). با وجود این، رد پای آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در همه آثار سعدی به صورت پراکنده دیده می‌شود. سعدی در نگاه آرمانی‌اش نیز مشکلات جامعه را با جزئیات و دقیق بررسی کرده و راه‌های مقابله و درمان آن را بیان می‌کند، در صورتی که فارابی در طراحی مدینه‌های فاضله و غیر فاضله وارد جزئیات نشده و بیشتر نظام کلی حاکم بر مدینه‌ها و هدف مدینه فاضله را بیان کرده است.

۱-۲. ضرورت، اهمیت و هدف

بررسی و مقایسه دو مفهوم آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی و به تبع آن اندیشه آرمان‌شهری از منظر این دو شاعر و فیلسوف مسلمان، زوایای مهمی از اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی آن‌ها و همچنین اوضاع و احوال نظام‌های حاکم بر جامعه زمان ایشان را بر ما آشکار می‌سازد. از طرفی، ویژگی‌های حکومت مطلوب و پادشاه آرمانی موضوعی است که در پهنه ادب پارسی و کتاب‌های فلسفی درباره برخی از شاعران و فیلسوفان به صورت پراکنده و مستقل بررسی شده است، اما جای خالی پژوهشی هرچند مختصر بر مبنای مقایسه و مطابقت در حوزه تفکر آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی یک شاعر و فیلسوف محسوس است. هدف پژوهش پیش رو، بازشناسی فکری و فلسفی آموزه‌های مربوط به آیین فرمانروایی و حکومت مطلوب در آثار سعدی و مطابقت آن با نظریه‌های آرمان‌شهری فارابی است.

۳-۱. پرسش‌های پژوهش

- چرا اندیشه آرمان‌شهری سعدی و فارابی قابل مقایسه است؟
- دلیل شباهت و تفاوت نظریات آرمان‌شهری سعدی و فارابی چیست؟
- واقعیت‌ها و رویدادهای زمانه هریک از این دو حکیم چه تأثیری در شکل‌گیری افکار آن‌ها در خصوص پی‌ریزی جامعه آرمانی و حکومت مطلوب داشته است؟
- عمل‌گرایی و واقع‌بینی این دو اندیشمند به چه میزان در شکل‌گیری اندیشه‌های آرمان‌شهری آن‌ها مؤثر بوده است؟

۴-۱. پیشینه پژوهش

از آنجا که اندیشه تأسیس جامعه ایده‌آل از گذشته‌های دور ذهن بشر را به خود مشغول داشته، تاکنون آثار زیادی در این زمینه تألیف شده است؛ از جمله این آثار می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

حیدری (۱۳۸۷) به توصیف کلی آثاری در زمینه فلسفه و ادبیات که با تأثیرپذیری از اندیشه آرمان‌شهری نوشته شده‌اند، پرداخته است. مکارم (۱۳۷۷) ابتدا آثار آرمان‌شهری را به‌طور مختصر معرفی کرده، سپس اندیشه آرمان‌شهری را از منظر دین اسلام بررسی کرده است. اصیل (۱۳۸۱) مقدمه‌ای بر اندیشه آرمان‌شهری ایرانی نوشته و با بررسی اساطیر، آیین‌ها و اعتقادات دینی ایرانیان و همچنین جستجو در آثار و اندیشه‌های ایرانی، مسیر اندیشه آرمان‌شهری را در تاریخ این سرزمین نشان داده است. مجتبابی (۱۳۵۲) ماهیت اندیشه آرمان‌شهری افلاطون و تأثیرپذیری این فیلسوف را از اندیشه‌های پادشاهان هخامنشی بیان کرده است. مهاجرنیا (۱۳۸۰) به بررسی اوضاع سیاسی و اجتماعی عصر فارابی و تأثیر آن بر اندیشه‌های او در پی‌ریزی مدینه فاضله و مدن غیر فاضله پرداخته است و جوکار (۱۳۸۵) جامعه آرمانی سعدی و فارابی را به‌طور کلی باهم مقایسه کرده است.

در نوشتار پیش رو، افزون بر بررسی جامعه آرمانی سعدی و فارابی به تطبیق نظریات این شاعر و فیلسوف در باب حکومت مطلوب و پادشاهی آرمانی پرداخته شده است؛ و مبانی و خاستگاه اندیشه آرمان‌شهری، یعنی واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی در اندیشه سعدی به‌مثابه شاعر پرآوازه واقع‌گرا و فارابی به‌منزله فیلسوفی آرمان‌گرا بررسی و مقایسه می‌شود.

۵-۱. روش پژوهش و چارچوب نظری

روش پژوهش حاضر، توصیفی - تحلیلی از نوع کیفی و هنجاری بوده و براساس اسناد و مدارک موجود از جمله کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقاله‌هایی که درباره این موضوع به رشته تحریر درآمده، سازمان‌دهی شده است. چارچوب نظری نوشتار پیش رو، مطالعات میان‌رشته‌ای است. بدین ترتیب که مبانی نظری براساس دو

رهیافت مشهور در حوزه اندیشه سیاسی و روابط بین‌الملل، یعنی مکتب رئالیسم (واقع‌گرایی) و ایده‌آلیسم (آرمان‌گرایی) استوار شده و سپس با بررسی آثار دو اندیشمند به اثبات فرضیه اقدام شده است.

۲. پردازش تحلیلی موضوع

۱-۲. مفهوم‌شناسی آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی

۱-۱-۲. مفهوم آرمان‌گرایی

ایده‌آلیسم یا آرمان‌گرایی، به معنی خیال‌پرستی و گذشتن از مرز واقعیت و پناه‌بردن به عالم خیال است. انسان آرمان‌گرا با فرار از واقعیت و پناه‌بردن به عالم خیال، آنچه را که باید باشد در ذهنش تحقق می‌بخشد. او می‌کوشد در پندار خود، جهان و اوضاع را با آرزوهای خویش وفق دهد.

شاخص‌ترین جلوه این اندیشه، پی‌ریزی جامعه آرمانی است. «جامعه‌ای که در آن همه امور بر وفق مراد و مطابق میل باشد، جامعه‌ای که در آن نه خبری از ظلم و تبعیض و نه اثری از جنگ و ستیز و نه رد پای از جهل و فقر و مرض یافت می‌شود. این کمال‌یابی، مدام فکر عده‌ای از اندیشمندان و اصلاح‌طلبان را به خود مشغول داشته و آنان را به طراحی حکومتی ایده‌آل که برآورنده آرمان‌های فوق باشد برانگیخته است.» (مکارم، ۱۳۷۷: ۱۹). چنین جامعه آرمانی را در زبان لاتین «توپیا»، در زبان و ادبیات عرب «مدینه فاضله» و در فرهنگ فارسی «آرمان‌شهر» می‌گویند. آرمان‌شهر یا ناکجا‌آباد، شهری خیالی است که در آن زندگی مردم کامل و قرین‌رستگاری است. جایی دست‌نیافتنی که تصویر آن در افق آرزوی آدمی همواره نمونه خیر برین و زیبایی و کامیابی است (ر.ک: اصیل، ۱۳۸۱: ۱۷۰).

۲-۱-۲. مفهوم واقع‌گرایی

نقطه مقابل آرمان‌گرایی، واقع‌گرایی است. رئالیسم یا واقع‌گرایی، به معنای پرستش واقعیت و اصالت‌دادن به آن است. «واقع‌گرایی به عنوان شیوه‌ای خلاق، پدیده‌ای تاریخی است که در مرحله‌ای معین از تکامل فکری بشر به وجود آمده؛ یعنی زمانی که انسان‌ها به شناخت ماهیت و جهت تکامل اجتماعی نیاز مبرمی داشتند و آن هنگامی بود که مردم سرچشمه اعمال و افکار انسان‌ها را علت‌های مادی می‌دانستند و معتقد بودند باید عملکرد نظام اجتماعی، مشخص و معین گردد.» (رافائل، ۱۳۷۹: ۱۲)

واقع‌گرایی، تلاش برای فهم امور زندگی سیاسی با تمرکز بر رفتار واقعی جوامع و نه چگونگی رفتار است. واقع‌گرایی «اندیشه‌ای است که انسان را از محیطی که در آن زندگی و کار می‌کند جدا نکرده و هدف آن درک و مطرح کردن دیالکتیکی همبستگی‌های اجتماعی در تضادهای عینی آن است.» (نقی‌پور، ۱۳۵۲: ۸۰) ویژگی بارز این اندیشه توجه به گذشته، اتکا به تجربه، محافظه‌کاری، اعتدال و اتکا به سیاست و

تدبیر است. «رنالیست کسی است که تا آنجا که ممکن است عوامل حقیقی و واقعیات را که در حوادث و امور و جریان عمل دخالت دارند، به حساب می‌آورد.» (پازارگاد، ۱۳۴۴: ۴۹)

دو اندیشه آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی، تأثیر عمیقی در نگرش اندیشمندان و نویسندگان جامعه داشته و زمینه را برای خلق آثار مهمی، به‌ویژه در زمینه فلسفه و ادبیات، فراهم آورده است.

۲-۲. آرمان‌گرایی در اندیشه سعدی و فارابی

۲-۲-۱. آرمان‌شهر در اندیشه سعدی

رویکرد سعدی به مسئله قدرت و اجتماع در قالب رویکرد ایرانی به قدرت سیاسی می‌گنجد (ر.ک: رجایی، ۱۳۷۱: ۸). با توجه به عناصر، مؤلفه‌ها، ویژگی‌ها و شرایط لازم برای قدرت سیاسی که در عالم نظر و آرمان در رویکرد ایرانی به سیاست و قدرت وجود دارد، می‌توان آرمان‌شهر سعدی را تلفیقی از آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی تلقی کرد که در آن عمل‌گرایی بر آرمان و نظریه برتری دارد. «درحقیقت اگرچه در زمانه سعدی روح برون‌گرا، حماسی و فعال ایرانی، جای خود را به درون‌گرایی، عزلت‌گزینی، عرفان‌گریزی و روحیه جبرگرایی و انفعال داده است، اما واقع‌بینی و اعتدال سعدی و ارزشی که برای جامعه و انسان قائل است، موجب می‌گردد، عرفان، اخلاق و دینداری سعدی در اجتماع و در برخورد با انسان‌ها معنا پیدا کند. از این روست که در آرمان‌شهر سعدی توجه به ارزش‌هایی چون احسان، مدارا، گذشت، عشق، ایثار و احترام به حقوق دیگران اهمیت بسیار دارد.» (نظری، ۱۳۸۹: ۱۲۶)

از دیگر ویژگی‌های اندیشه آرمان‌گرایی سعدی، تعلق خاطر او به دین و اخلاق است (ر.ک: جوکار، ۱۳۸۵: ۷۸)؛ به عبارت دیگر، «بنیاد و پایه مدینه فاضله‌ای که سعدی از آن دفاع می‌کند، عبارت است از یک ایمان باطنی به خدا و اعتقاد به وجود او در همه مکان‌ها و درک این مطلب که هر فعل آدمی در زیر نظر او قرار دارد و انسان مسئول همه افعال خویش خواهد بود.» (حیدری، ۱۳۸۷: ۲۷۶) «شهری که قوانین آن بر پایه دوستی و محبت بنا شده است؛ ارتباط‌ها در آن سالم و ظلم پشت دروازه‌ها بار انداخته و شهر آفتابی است، آفتابی از حقیقت، حقیقتی لطیف که ذهن و زبان انسان‌ها در آن رشد می‌کند، حقیقتی که شادی هر کس در گرو شادی دیگری است.» (آذر، ۱۳۷۵: ۱۶۴)

نخواهد که بیند خردمند ریش نه بر عضو مردم نه بر عضو خویش

(سعدی، ۱۳۸۳: ۱۶۹)

۲-۲-۲. آرمان‌شهر در اندیشه فارابی

فارابی، برخلاف سعدی که شاعر و ادیب است و به مسائل اجتماعی از منظر احساس و عواطف می‌نگرد، فیلسوفی سیاسی است. یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های فیلسوفان سیاسی، ترسیم و توضیح و تبیین مدل مطلوب

حکومت است که مخرج مشترک همه اندیشه‌های سیاسی است.

فارابی در دو کتاب *آراء اهل مدینه* و *سیاست مدینه* و همچنین به صورت پراکنده در دیگر آثارش، جامعه آرمانی خود را که از آن به مدینه فاضله یاد می‌کند، به تصویر کشیده است. مدینه فاضله فارابی «المدینه المنقادة لهذه السیاسة» (ترجمه: آرمان‌شهری است که پیرو سیاست [فاضله] است) (فارابی، ۱۳۶۹: ۶۵)؛ و تدبیر آن به دست حکیمی فرزانه است که در نتیجه ارتباط با عالم ماوراء طبیعت، نظام مدینه را با نظام هستی هماهنگ می‌سازد (ر.ک: همان، ۱۳۶۱: ۶۵). در چنین مدینه‌ای است که افراد زندگی سعادت‌مندان‌ای خواهند داشت. اساس مدینه فاضله فارابی، همکاری با دیگری برای بقای جامعه مدنی و کمال انسان‌ها است. «جماعت کثیری که با یکدیگر همکاری دارد، گرد هم آمده و هر کس بعضی از نیازهای دیگری را برای قوام خود که به آن‌ها احتیاج دارد برآورده می‌کند.» (همان: ۲۲۰)

۲-۳. زمینه‌های ایجاد تفکر آرمانی

«اگر در موقعیت مکانی و زمانی پردازندگان آرمان‌شهر، از افلاطون تا جامی غور و تفحص کنیم، متوجه می‌شویم که یک نکته بارز در زندگی تمامی آن‌ها به چشم می‌خورد و آن نارضایتی از وضع زندگی خود به هر دلیلی است و همین نارضایتی، بزرگ‌ترین انگیزه آنان جهت پرداختن به تفکر ایده‌آلی و آرمانی شده است.» (حیدری، ۱۳۷۷: ۳۳۲)

دلیل خلق جامعه آرمانی سعدی نیز رضایت وی از اوضاع نامطلوب جامعه زمانش است. «ایران در هیچ زمانی، روزگاری پریشان‌تر و اندوه‌بارتر از روزگار سعدی نداشته است. سرزمینی که در اوج رونق و آبادی خویش به سر می‌برد و فرهنگ و تمدن آن هر روز پر و بال بیشتری می‌گرفت و مزه استعداد و سخت‌کوشی مردم را می‌چشید، به ناگاه به بلایی دچار شد که دیگر نتوانست آن‌گونه که شاید از زیر بار آن، قد راست کند.» (حمیدی، ۱۳۷۹: ۷۹) در ایران آن روزگار، پادشاهان خودکامه آرامش و اختیار و حق انتخاب را از مردم سلب کرده و تنها به منافع خود می‌اندیشیدند:

خلاف رای سلطان رای جستن
 به خون خویش باشد دست شستن
 اگر خود روز را گوید شب است این
 بیايد گفتن اینک ماه و پروین

(سعدی، ۱۳۸۳: ۳۴)

فارابی نیز، روزگاری پر آشوب را گذرانده است. وی روزگار سستی کار خلافت را درک کرده و عصر پر آشوب ستیزه‌های سیاسی و مذهبی را در جهان اسلام به چشم دیده است. افزون بر تحولات و دگرگونی‌های سیاسی، جهان اسلام در عصر فارابی با پراکندگی فکری و فرقه‌ای نیز دست به‌گریبان بود. «عناصر عقیدتی بیگانه، به‌ویژه حکومت یونان در ذهن بسیاری از مسلمانان رسوخ و در شکل‌پذیری

جهانبینی آن‌ها اثر کرده بود.» (اصیل، ۱۳۸۱: ۱۹۴) این شرایط نامناسب اجتماعی و سیاسی فارابی را به کناره‌گیری از سیاست و روی آوردن به انزوا کشانید و وی در گوشه‌ای آرام، به طراح‌ی مدینه فاضله پرداخت.

۲-۴. ویژگی‌های جامعه آرمانی در اندیشه سعدی و فارابی

با بررسی آثار آرمان‌شهری، ویژگی‌های مشترک زیادی در اصول و اعتقادات آن‌ها به چشم می‌خورد که نمی‌توان آن را تصادفی و از روی سهل‌انگاری دانست؛ از جمله این ویژگی‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۲-۴-۱. اندام‌وارگی اجتماع

سعدی، جامعه آرمانی‌اش را به بدن تشبیه می‌کند؛ در تشبیه سعدی، اعضا لازم و ملزوم یکدیگرند؛ به طوری که اگر یکی از اعضا با مشکلی مواجه شود، بقیه اعضا نیز مضطرب و دچار اختلال می‌شوند:

بنی‌آدم اعضای یک پیکرند که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار

(۱۳۸۳: ۸۸)

فارابی نیز پس از تشبیه مدینه فاضله به بدن می‌گوید: «همان‌طور که اعضای تن از لحاظ فطرت و قوت‌های طبیعی متفاضل و مختلف‌اند و در بین آن‌ها یک عضو بود که رئیس اول همه اعضا تن بود که قلب است و اعضایی بود که مراتب آن‌ها نزدیک به آن رئیس بود و در هریک از آن‌ها قوتی و طبیعتی نهاده شده که به واسطه آن کار و فعل خود را بر وفق و خواست و غرض آن عضوی که رئیس است انجام می‌دهند و در رتبت دوم قرار دارند، به همین ترتیب کارهای خود را بر وفق دسته دوم انجام می‌دهند و در رتبت سوم قرار دارند به همین ترتیب تا منتهی می‌شود به اعضایی که صرفاً اعضاء خدام‌اند و بر هیچ عضوی مطلقاً ریاست ندارند. همین‌طور است حال مدینه که اجزاء مشکله آن از لحاظ فطرت مختلف هستند، بدین ترتیب که در آن انسانی بود که رئیس اول بود و اعضا و افراد دیگری بود که مراتب آن‌ها نزدیک بدان رئیس بود و آنان در درجه دوم قرار می‌گیرند و بر گروه بعد از خود ریاست دارند و به همین ترتیب تا دسته و گروهی که دیگر بر کسی برتری ندارند و رئیس گروهی نیستند. پس اینان کسانی هستند که تنها خدمت می‌کنند و خدام‌اند نه مخدوم و در فرودترین مراتب قرار دارند که طبقه فرودین اجتماعات اینان‌اند.» (فارابی، ۱۳۶۱: ۲۵۶-۲۵۸)

۲-۴-۲. اساس جامعه آرمانی

اساس جامعه آرمانی سعدی را نوع دوستی و محبت تشکیل می‌دهد؛ جامعه‌ای که ارزش افراد در آن، صرف

نظر از همه تعلقات آنها، به انسانیت و همدردی با دیگران است. جامعه‌ای که در آن صفت آدم‌بودن از کسی که تنها به فکر خویش است سلب می‌شود:

چو عضوی بدرد آورد روزگار
دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی‌غمی
نشاید که نامت نهند آدمی

(۱۳۸۳: ۸۸)

بنای مدینه فاضله فارابی را نیز تعاون و همکاری افراد برای رسیدن به یک هدف تشکیل می‌دهد؛ به همین دلیل، فارابی تعاون را هم‌سنگ اصل اجتماع افراد تلقی می‌کند. وی با توجه به این اصل، مدینه فاضله را چنین تعریف می‌کند: «مدینه‌ای که مقصود حقیقی از اجتماع در آن تعاون بر امری است که موجب حصول سعادت آدمی است.» (فارابی، ۱۳۶۱: ۲۵۳) به گفته فارابی این مدینه «شهری است که بخش‌های گوناگون آن باهم همراه و همکارند تا نیازهای متعالی آدمی را برآورده سازند. نیازهایی که به زندگی صرف بسنده نمی‌کند و وی را از خود بهره‌مند می‌سازد، چنین شهری معطوف به سعادت راستین است.» (همان: ۳۲)

۲-۴-۳. عدالت دغدغه اصلی طراحان آرمان شهر

در آثار فیلسوفان و شاعرانی که به اندیشه آرمان شهری پرداخته‌اند، عدالت جلوه‌ای بارز و خاص یافته است؛ سعدی در همه باب‌های بوستان و گلستان، از حقیقت گمشده روزگار خود، یعنی عدالت سخن می‌گوید و از آنجا که برقراری عدالت برای وی هم‌سنگ برقراری نظام آرمانی است، اولین و طولانی‌ترین باب بوستان را به عدل و طریق عدالت‌ورزی اختصاص داده و در باب‌های دیگر و آثار دیگرش نیز پراکنده به آن پرداخته است:

الاتا نیچی سر از عدل و رای
که مردم ز دست نیچند پای
گریزد رعیت ز بی‌دادگر
کند نام زشتش به گیتی سمر
بسی بر نیاید که بنیاد خود
بکند آنکه بنهاد بنیاد بد

(۱۳۸۳: ۱۵۶)

با توجه به این اصل، سعدی عدالت را زینت و پیرایه ملک پادشاهی می‌داند:

ملک را همین ملک پیرایه بس
که راضی نگردد به آزار کس

(۱۳۸۳: ۱۵۹)

به‌طور کلی، در گفت‌وگو فلسفی، عدل به معنای قرارگیری هر چیز در جای خود است (ر.ک: افتخاری، ۱۳۸۸:

۱۴۳)؛ اما فارابی می‌گوید:

«العدل قد يقال على نوع آخر وهو استعمال الإنسان أفعال الفضيلة فيما بينه وبين غيره أي فضيلة كانت.» (فارابی، ۱۹۸۶:

(۷۴)

(ترجمه: عدل به گونه‌ای دیگر نیز آمده است به کار بستن افعال فضیلت (فضائل) میان خود و دیگران، هر فضیلتی که باشد.)

«در نزد مردم مدینه‌های فاضله، عدالت این است که همه به سعادت و کمال افضل خود برسند، همه زندگی کنند، همه به زندگی خود ادامه دهند، جنگ و ستیز از میان برداشته شود، هر عضوی وظیفه خود را انجام دهد لاجرم همه اعضا سالم می‌مانند و به حیات و زندگی خود ادامه می‌دهند، همه تابع یک رهبر و فرمانده باشند و آن فرمانده نیز مقهور اراده خود و عقل فعال باشد و حکیم دانا و متّصف به اخلاق حمیده باشد، هیچ عضوی از اعضای جامعه به حقوق و وظایف دیگری تعدّی نکند.» (فارابی، ۱۳۶۱: ۴۹)

۲-۴-۴. تأیید پادشاه از سوی خداوند

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی که سعدی، برای پادشاه آرمانی‌اش قائل است، تأیید پادشاه از سوی خداوند است که به یقین، این اندیشه از اعتقادات مردم ایران باستان گرفته شده است. وی در واقع، حکومت بر مردم را نعمتی الهی و هدیه‌ای از طرف خداوند می‌داند: «و گفתי یا ربّ العزّة ملک، ملک تو است و بنده، بنده تو، به‌زور بازو و زخم تیغ من حاصل نیامده است، تو بخشیده‌ای و هم قوت و نصرت بخش که بخشاینده‌ای» (سعدی، ۱۳۷۰: ۴۸).

خداى خواست که بر عالمی بیخشايد تو را به رحمت خود پادشاه عالم کرد

(همان، ۱۳۸۳: ۱۶۸)

فارابی نیز می‌گوید: «ممکن نبود هر انسانی که پیش آید و اتفاق افتد، رئیس اوّل مدینه بود، چه آنکه ریاست به دو امر تحقّق می‌یابد، یکی آنکه فطرتاً و بالطبع مهیا و آماده ریاست بود و دوّم به واسطه هیئت و ملکه خاص ارادی مربوط به ریاست که قهراً برای کسی حاصل می‌شود که بالطبع مفطور و مهیای ریاست بود.» (فارابی، ۱۳۶۱: ۲۶) از نظر وی رئیس نخست، باید با اتّصال به عالم وحی، تأییدیه‌ای از جانب خداوند برای رهبری مدینه فاضله داشته باشد.

۲-۴-۵. تقسیم کار بر حسب استعداد و شایستگی افراد

در جوامع آرمانی، زمانی عدالت معنا می‌یابد که همه نیروها و استعداد‌های انسانی در محیط و شرایط مناسب، تربیت شوند و متناسب با قابلیت و شایستگی‌شان مورد بهره‌برداری قرار گیرند. سعدی معتقد است:

امید عافیت آنکه بود موافق عقل که نبض را به طبیعت شناس بنمایی

(۱۳۸۳: ۱۳۸)

در مدینه فاضله فارابی نیز، «باید همه استعدادها و فطرت‌ها در جهت‌ی که مایل‌اند تربیت شوند و از آن‌ها بهره‌گیری شود.» (فارابی، ۱۳۷۹: ۴۶)

۲-۴-۶. رسیدگی به احوال ناتوانان و بیچارگان

سعدی به‌مثابه جامعه‌شناس و مصلح اجتماعی می‌داند که پادشاه آرمانی باید «پیران ضعیف و بیوه‌زنان و یتیمان و محتاجان و غریبان را همه‌وقت امداد فرماید که گفته‌اند که هر کس که دستگیری نکند سروری را نشاید و نعمت بر او نیاید، پادشاهان پدر یتیمان‌اند باید که بهتر از آن غم‌خوارگی کنند مر یتیم را که پدرش تا فرق باشد میان پدر درویش و پدر پادشاه.» (سعدی، ۱۳۷۰: ۴۹)

همچنین پادشاه آرمانی سعدی باید از افرادی که عمری در درگاه آن‌ها خدمت کرده و اکنون از کارافتاده و ناتوان شده‌اند، دستگیری کند: «خدمتکاران قدیم را که قوت خدمت نمانده است، اسباب مہیا دارد و خدمت درنخواهد که دعای سحرگاه به از خدمت درگاه.» (همان: ۴۹)

چو خدمت‌گزاریت گردد کهن
حق سالیانش فراموش مکن
گر او را هرم دست خدمت بیست
تورا بر کرم همچنان دست هست

(همان، ۱۳۸۳: ۱۵۷)

چنان‌که گفته شد، فارابی در طراحي مدینه فاضله نسبت به سعدی مطلق‌گراتر است و توجه چندانی به طبقات فرودست جامعه ندارد؛ لذا در مدینه فاضله فارابی بیت‌المال به کسانی تعلق می‌گیرد که خود به‌تنهایی نمی‌توانند کسب کنند و پول به‌دست آورند. مشاغلی که حرفه و کار آن‌ها برای کسب نیست، مانند روحانیان، دیران و اطباء، در مدینه فاضله این حرفه‌ها جزء مشاغل عمومی هستند و نباید درمقابل آن از مردم پول بگیرند، زیرا طبابت با جان و زندگی مردم سروکار دارد (ر.ک: فارابی، ۱۳۷۹: ۵۱).

۲-۵. هدف غایی آرمان‌شهر

بیشتر طراحيان آرمان‌شهر، غایت جامعه آرمانی خود را رسیدن به کمال می‌دانند؛ زیرا انسان فطرتاً موجودی کمال‌طلب است و این فطرت کمال‌طلبی، وی را وادار می‌کند که جوای کمال واقعی، یعنی سعادت باشد. سعدی، سعادت را دنیوی و اخروی می‌داند و معتقد است، ارزش سعادت این جهان به این است که در راه رسیدن به سعادت آخرت به کار گرفته شود و دنیا به منزله پلی برای آخرت باشد. وی راه رسیدن به سعادت دنیا و آخرت را در این می‌داند که:

خواهی که ممتّع شوی از دنیوی و عقبی
با خلق کرم کن چو خدا با تو کرم کرد

(همان، ۱۳۸۳: ۱۲۵)

«فارابی نیز فیلسوفی غایت‌گرا است، لذا طبعاً جهت‌گیری همه عناصر منظومه فکری وی به سوی سعادت است و همه اجزای فلسفه وی در وصول به سعادت تأثیر دارند.» (قادری، ۱۳۸۸: ۱۴۶) از نظر وی، «هدف از آفرینش وجود انسان این است که به سعادت نهایی برسد، به‌ناچار در راه رسیدن به آن نخست باید معنی سعادت را بشناسد و آن را غایت کار و نصب‌العین خود قرار دهد و سپس اعمالی را که لازم است انجام دهد تا به وسیله آن‌ها به سعادت برسد، به‌خوبی بازشناسد و به دنبال آن انجام دهد.» (فارابی، ۱۳۷۹: ۲۴۴)

۲-۶. واقع‌گرایی سعدی و فارابی

۲-۶-۱. واقع‌گرایی سعدی

«مهم‌ترین شاخص واقع‌بینی، شناخت ممکن از ناممکن است تا انسان بتواند تشخیص درستی از آنچه با امکان‌ها و توانایی‌های وی انجام‌پذیر است و آنچه انجام‌پذیر نیست، داشته باشد» (حمیدی، ۱۳۸۶: ۱۵۵)؛ لذا براساس شاخصه‌های واقع‌گرایی، سعدی شاعر و اندیشمندی واقع‌گرا و جامع‌نگر است و این معنا در آثار او به درستی هویدا است. واقع‌بینی سعدی در حدّ واقع‌گرایی صرف نمانده و بر بستر رئالیسم انتقادی به سوی ایده‌های آرمان‌شهری حرکت کرده است و نیز اعتدال وی سبب شده که امکان تحقق‌پذیری مطلوب‌ها و آرمان‌های سعدی در بوستان قابل توجه باشد (ر.ک: نظری، ۱۳۸۹: ۱۲۵). گلستان نیز نمونه کامل و ایرانی مکتب رئالیسم است. «در گلستان انسان با دنیایی سروکار دارد، محسوس و واقعی، نه فقط با عالم نگارین و خیال‌آمیز برخی اخلاق‌نویسان که غالباً لمس‌نشدنی است و دور از دسترس.» (فروغی، ۱۳۷۰: ۳۰) موارد خاصی که سعدی آن‌ها را به گونه حکایت یا در قالب نظم در آورده، بیانگر واقع‌گرایی او نسبت به محیط، جامعه و مردم است:

چو کاری بی‌فضول من بر آید مرا در وی سخن گفتن نشاید
وگر بینم که ناینجا و چاه است اگر خاموش بشینم گناه است

(سعدی، ۱۳۸۳: ۳۷)

۲-۶-۲. واقع‌گرایی فارابی

واقع‌گرایی فارابی را باید در پی‌ریزی مدینه‌های غیر فاضله جستجو کرد. هرچند فارابی در طراح‌ی این مدینه‌ها از اوضاع نامطلوب روزگار خویش نیز متأثر بوده، اما هدف والای او در بیان نظام‌های حاکم بر مدینه‌های غیر فاضله را باید، آشکار ساختن مطلوبیت و ارزش مدینه فاضله دانست تا بتواند با بیان تعارض‌ها و تضادهای موجود در مدینه‌های غیر فاضله، جایگاه مدینه فاضله و دوربودن جامعه آرمانی‌اش از این ناراستی‌ها را به‌خوبی نشان دهد (ر.ک: جوکار، ۱۳۸۵: ۸۰). فارابی در طراح‌ی این مدینه‌ها نه تنها نظریه پرداز

بلکه فیلسوفی عملگرا است تا آنجا که برای مثال در شرح مقوله «عدل»، موضوع فعلیت و واقع گرایی عینی را مد نظر قرار داده است و می گوید:

«والعدل تابع للمحبّة والحیة في هذه المدينة تكون أولاً لأجل الاشتراك في الفضیلة ویلتئم ذلك بالاشتراك في الآراء والافعال.» (فارابی، ۱۹۸۶: ۷۰)

(ترجمه: عدل تابعی از محبت است و محبت در مدینه فاضله برای به اشتراک گذاشتن فضائل است و با به اشتراک گذاشتن اندیشه و عمل مناسب و موافق است.)

از سوی دیگر، واقع گرایی و عمل گرایی این فیلسوف بر پایه بیان ویژگی های عینی مدینه های جاهله و ارائه راه حل و چگونگی برخورد دولت با آنهاست. او نظام های مختلف مدینه ها را بررسی کرده، ولی بیشترین توجه وی به کلیات مسائل و ضوابط اجتماعی بوده و کمتر به جزئیات بلاد موجود و مردم عصر خود یا بررسی تاریخی آنها پرداخته است.

۷-۲. نمونه هایی از واقع گرایی سعدی در گلستان

۷-۲-۱. شرط دستیابی به پادشاهی

در گلستان، مدارا و مردم داری شرط دستیابی به رهبری است و سعدی از زبان وزیری به پادشاه می گوید: «ای ملک چون گرد آمدن خلقی موجب پادشاهی است، تو مر خلق را پریشان برای چه می کنی؟ مگر سر پادشاهی کردن نداری؟» (سعدی، ۱۳۷۰: ۶۴):

پادشاه پاسبان درویش است	گر چه دولت به فر نعمت اوست
گوسفند از برای چوپان نیست	بلکه چوپان برای خدمت اوست

(همان: ۶۸)

۷-۲-۲. شیوه تربیت

سعدی در امر تربیت، زمان شروع، شرایط محیط و استعداد فرد را در نظر می گیرد. بهترین زمان برای شروع تربیت سنین کودکی و نوجوانی است:

هر که در خردیش ادب نکنند	در بزرگی فلاح از او برخاست
چوب تر را چنان که خواهی پیچ	نشود خشک جز به آتش راست

(همان: ۱۵۵)

افراد استعداد های متفاوتی دارند که با وجود شرایط تربیت یکسان، متفاوت خواهند بود. عده ای به آسانی، حتی در اثر هم نشینی با افراد صالح مستعد گرایش به نیکی و هدایت هستند:

گلی خوشبوی در حمام روزی	رسید از دست مخدومی به دستم
-------------------------	----------------------------

بدو گفتم که مشکی یا عیبری
 بگفتا من گلی ناچیز بودم
 که از بوی گلاویز تو مستم
 ولیکن مدتی با گل نشستم
 و گرنه من همان خاکم که هستم
 کمال هم‌نشین در من اثر کرد

(همان: ۱۷۴)

عده‌ای نیز با وجود شرایط و محیط مناسب سرشتی پلید و تغییرناپذیر دارند:

پرتو نیکان نگیرد هر که بنیادش بد است
 تربیت ناهل را چون گردکان بر گنبد است

(همان: ۶۱)

۲-۷-۳. دعوت به عدالت

سعدی، عدالت‌ورزی را نیز ابتدا از پادشاهان انتظار دارد و سپس مردم؛ در حکایتی از پادشاه می‌خواهد عدالت را پیشه خود سازد تا کارگزارانش و بقیه مردم نیز از او الگو بگیرند:

«آورده‌اند که انوشروان عادل در شکارگاهی صید کباب کرده بود و نمک نبود. غلامی را به روستا فرستاد تا نمک حاصل کند. گفت: زینهار تا نمک به قیمت بستانی تا رسمی نگردد و دیه خراب نشود. گفتند: این چقدر خلل کند؟ گفت: بنیاد ظلم در جهان [اول] اندک بوده و به مزید هر کس بدین درجه رسیده است.

اگر ز باغ رعیت ملک خورد سیبی
 بر آورند غلامان او درخت از سیخ
 به پنج بیضه که سلطان ستم روا دارد
 ز نند لشکریانش هزار مرغ به سیخ»

(همان: ۷۴)

۲-۷-۴. توجه به سپاهیان

سعدی، توجه به نیروهای سپاهی کشور را با تقویت و پرداخت حق و حقوق به موقع آنان از وظایف مهم پادشاه به منظور برقراری امنیت داخلی و حفظ مرزهای کشور از دستبرد دشمنان می‌داند و به پادشاه تذکر می‌دهد که:

چو دارند گنج از سپاهی دریغ
 دریغ آیدش دست‌بردن به تیغ
 زر بده مرد سپاهی را تا سر بنهد
 و گرش زر ندهی، سر بنهد در عالم

(همان: ۶۸)

۲-۷-۵. برخورد با دشمن

سعدی، روحیه مدارا دارد و در امور بیشتر به پیشگیری معتقد است؛ اما جایی که پیشگیری دیگر کارساز نیست؛ به مبارزه دعوت می‌کند و به پادشاه یادآور می‌شود تا با تدبیر و چاره‌گری، پیش از چیرگی دشمن، مانع پیشرفت او شود:

دانی که چه گفت زال با رستم گرد
دشمن نتوان حقیر و بیچاره شمرد
دیدیم بسی که آب سرچشمه خُرد
چون بیشتر آمد شتر و بار ببرد

(همان: ۶۱)

گلستان سعدی، سرشار از بیان ویژگی‌های نظام‌های مختلف و نحوه حل تعارضات و مشکلات آن‌ها است که ذکر همه آن‌ها در این مقال نمی‌گنجد.

۸-۲. نمونه‌هایی از واقع‌گرایی فارابی و مطابقت آن با نظریات سعدی

مدینه‌های غیر فاضله فارابی که از آن‌ها با عنوان مُضادات یاد می‌کند، «از یک عدم انتظام و بی‌نظمی خاصی که اصولاً با نظامات طبیعی منطبق نیست، پیروی کرده و متوسل به نوعی مغالطه می‌شوند.» (فارابی، ۱۳۶۱: ۴۸) «تباهی‌ها و ناروایی‌های رایج در مدینه‌های غیر فاضله، هم در عقیده و اخلاق است و هم در سیاست و اقتصاد و چون آن مدینه‌ها با مدینه فاضله که جامعه آرمانی فارابی است، در تضادند، پیداست که پندار و گفتار و کردار مردم آن‌ها را نکوهش می‌کند. اگر بخواهیم از این ناروایی‌ها و تباهی‌ها سیاهه‌ای داشته باشیم، مقوله‌های زیر را دربر می‌گیرد: لَهو و لعب، زن‌بارگی، گرایش به ثروت، خست، بزرگی جویی، قهر و غلبه، ستم و ستمگری، آزادی و بی‌بندوباری، کزاندیشی، گمراهی فکری و دینی... و چون مدینه فاضله ازین تباهی‌ها مبراست، زندگانی شهروندان قرین سعادت و اعتدال است.» (اصیل، ۱۳۸۱: ۱۴۵)

تعداد این مدینه‌ها به اندازه هدف‌ها و غرض‌هایی است که این گونه حکومت‌ها در جستجوی آن هستند. «فارابی از انواع این مدینه‌ها بیشتر به مدینه تغلیبه می‌پردازد و با انتقادی سخت از آن، بینش انسانی و علاقه‌مندی خود را به اعتدال و دادگری و مدارای سیاسی نشان می‌دهد.» (همان: ۱۵۵) در زیر به چند نمونه برجسته از آن‌ها اشاره می‌شود:

۸-۲-۱. مدینه تغلیبه

«نظامی است با ارزش‌های سپاهیگری که در آن قهر و غلبه بر ملت‌های دیگر برترین فضیلت است.» (فارابی، ۱۳۷۹: ۳۶۳-۳۶۴)

سعدی نیز در گلستان چنین تفکری را مورد طعن و طنز قرار می‌دهد:

نیم نانی گر خورد مرد خدای
بذل درویشان کند نیمی دگر
ملک اقلیمی بگيرد پادشاه
همچنان در بند اقلیمی دگر

(۱۳۸۳: ۶۰)

۸-۲-۲. مدینه نداله

«در مدینه نداله، همت و کوشش مردم، تعاون به یکدیگر است در جهت مال‌اندوزی و به‌دست آوردن رفاه

زندگی و تکثیر ثروت و نگهداری ضروریات و نقدینه، یعنی درهم و دینار و احتکار بیش از حاجت و این کار را صرفاً به‌خاطر علاقه‌ای که به توانگری دارند و همچنین بخل بر خرج انجام می‌دهند و تنها از ثروت و مکنت خود در حدود حفظ بدن‌های خود از هلاکت، به مصرف زندگانی می‌رسانند.» (فارابی، ۱۴۷۹: ۲۵۷)

سعدی آن‌ها را چنین وصف می‌کند: «ده آدمی بر سفره‌ای بخورند و دو سگ بر مرداری به‌سر نبرند، حریص با جهانی گرسنه است و قانع به نانی سیر:

روده تنگ به یک نان تهی پر گردد نعمت روی زمین پر نکند دیده تنگ»

(۱۷۵: ۱۳۸۳)

۲-۸-۳. مدینه فاسقه

«مدینه‌ای که آراء و عقاید مردم آن عیناً همان آراء و عقاید مردم مدینه فاضله است. مردم آن سعادت را به‌خوبی می‌شناسند و به ذات خداوند که موجود اول است و همین‌طور، موجوداتی که در مرتبه بعد هستند و عقل فعال و سرانجام به هر آنچه باید مردم مدینه فاضله بدانند، آگاهی دارند و به آن اعتقاد دارند، اما افعال و کردار آنان به‌سان افعال و کردار مدینه‌های جاهله است.» (فارابی، ۱۳۷۹: ۱۹۷)

سعدی در وصف اینان می‌گوید:

علم چندان که بیشتر خوانی چون عمل در تو نیست نادانی

(۱۷۰: ۱۳۸۳)

۲-۸-۴. مدینه خست

«مردم مدینه خست همواره در جهت رسیدن به بهره‌وری از لذات حسی و یا خیالی به یکدیگر یاری می‌رسانند.» (فارابی، ۱۳۷۹: ۲۵۸)

سعدی آن‌ها را برحذر می‌دارد که:

جهان ای برادر نماند به کس دل اندر جهان آفرین بند و بس
مکن تکیه بر ملک دنیا و پشت که بسیار کس چون تو پرورد و کشت
چو آهنگ رفتن کند جان پاک چه بر تخت مردن چه بر روی خاک

(۵۹: ۱۳۸۳)

۲-۸-۵. مدینه ضاله

«مدینه‌ای که مردم آن همه اصول و مبادی وجود و اصول سعادت‌ها را قلب کرده‌اند و اصول و مبادی دیگری را برای آن‌ها گفته و آموخته باشند... مردمش در رسیدن به سعادت حقیقی معتقد به آرای فاسده‌ای شده‌اند.» (فارابی، ۱۳۷۹: ۲۷۶)

سعدی در وصف اینان می گوید: «همه کس را عقل خود به کمال نماید و فرزند خود به جمال.

یکی جهود و مسلمان مناظرت کردند
چنان که خنده گرفت از حدیث ایشانم
بطیره گفت: مسلمان، گر این قباله من
درست نیست، خدایا جهود میرانم
جهود گفت: به تورات می خورم سوگند
وگر خلاف کنم، همچو تو مسلمانم
گر از بسیط زمین عقل منعدم گردد
به خود گمان نبرد هیچ کس که نادانم»

(۱۳۸۳: ۶۱)

۲-۸-۶. مدینه جماعیه

«مدینه ای است که مردم آن آزاد و رها باشند و هر چه بخواهند انجام دهند و همه مردم آن از تساوی کامل برخوردار باشند؛ در همه اعمال خود، قوانین و سنت های آنان هم براساس این است که هیچ انسانی بر انسان دیگر برتری ندارد در هیچ جهت؛ نه خودی بر خودی و نه دیگران بر آنها و تنها آن کس قابل ارزش است که در جهت فروتنی به حریت و آزادی آنها کمک کند.» (فارابی، ۱۳۷۹: ۱۸۹) «درواقع فارابی در شرایطی که مدینه فاضله را افقی دست نیافتنی می داند، در میان نظام های حکومتی بد، کمترین بدی را که همان «مدینه جماعیه» است انتخاب می کند، زیرا در این مدینه هیچ فردی از آن دیگری در احراز ریاست اولویت ندارد و مردم در میل به اعمال تغلب و پیروی از آن آزادند. تنها چیزی که هست، اینکه پدید آمدن مدینه های فاضله و ریاست فاضله از متن مدینه جماعیه آسان تر و امکان پذیرتر است.» (طباطبایی، ۱۳۸۳: ۱۸۶)

۲-۸-۷. نوابت

منظور از نوابت «انسان هایی هستند که مسکن و مأوای آنها در مدینه فاضله است لیکن خودرو و خودسرند و اصولاً نوابت به گیاهانی می گویند که زیان آور به مزروع باشند یا به درخت، یعنی علف های هرزه.» (حیدری، ۱۳۸۷: ۸۶)

«ارزش و پایگاه اجتماعی این گروه ها به قدری متزلزل است که فارابی آنها را لایق اینکه جزء ساختار مدینه فاضله تلقی شوند، نمی داند و تصریح می کند که سزاوار نیست که نوابت جزء ساختار مدینه باشند؛ اما علی رغم لیاقتشان در مدینه فاضله حضور دارند و با فعالیت های مختلف برای کسب قدرت و سلطه و ریاست و ثروت و کرامت مبارزه می کنند.» (فرزانه پور، ۱۳۸۶: ۱۹۹-۲۰۰)

چنان که سعدی نیز می گوید: «نسل فساد اینان منقطع کردن اولی تر است و بیخ تبار ایشان برآوردن که آتش وانساندن و اخگر گذاشتن و افعی کشتن و بیچه نگهداشتن کار خردمندان نیست.» (۱۳۸۸: ۶۱)

عاقبت گرگ زاده گرگ شود
گرچه با آدمی بزرگ شود

(همان، ۱۳۸۳: ۶۲)

۳. نتیجه‌گیری

تجربه تاریخی نشان می‌دهد که اجتماعات بشری بر اثر نیاز انسان‌ها به یکدیگر شکل گرفته و به دنبال آن حکومت برای حفظ این پیوند و سامان‌دهی به تشکیلات نظام پیچیده اجتماعی تأسیس شده است؛ اما تشکیل حکومت بدین معنا نبود که بشر در اجتماع، در امنیت و آرامش کامل به سر می‌برد و رعایت نکردن اصول و ضوابط صحیح و مطلوب برای اداره جامعه، باعث پدید آمدن مشکلاتی مانند رواج بی‌عدالتی و شیوع انواع مفاسد اخلاقی در جامعه و طبقه حاکم شده بود؛ از این رو با وجود حکومت‌های نامطلوب، پیوند اجتماعی میان مردم سست شده و در معرض زوال و انحطاط قرار گرفته بود؛ بنابراین اوضاع نامطلوب سیاسی و اجتماعی، اندیشه مردم به ویژه اندیشمندان جامعه از جمله حکیمان، فلاسفه، شاعران و نویسندگان و حتی گاهی حاکمان را به سوی آرمان‌گرایی و پی‌ریزی الگو و نقشه متفاوت و آرمان‌گرایانه هدایت می‌کرد.

سعدی و فارابی نیز هر دو زمانه‌ای پر از تشویش و ناامنی را پشت سر گذاشته‌اند. اوضاع نامطلوب سیاسی و اجتماعی عصر این دو اندیشمند، ذهن آن‌ها را به سوی آرمان‌گرایی سوق داده است، زیرا در واقعیت، در ناامیدی و حسرت و عدم امنیت و آسایش به سر می‌بردند؛ اما روح حساس و مصلحت‌جوی این دو حکیم مانع از این می‌شد که از واقعیت‌های جامعه زمان خود نیز غافل بمانند. سعدی در گلستان به ویژه باب اول آن با نگاهی واقع‌گرایانه به توصیف اوضاع نامطلوب جامعه روزگار خود می‌پردازد. نگاه واقع‌گرای فارابی به جامعه روزگاری که در آن می‌زیست را نیز باید در بطن مدن غیر فاضله وی جستجو کرد. نگاه آرمانی سعدی و فارابی به تشکیل حکومت مطلوب، در درجه اول به پادشاه و رأس هرم قدرت سیاسی برمی‌گردد، زیرا هر دو متفکر، نیک دریافته بودند که ریشه بی‌عدالتی از کجاست و تا حاکم اصلاح نشود، جامعه اصلاح نخواهد شد. از طرفی، مردم نیز بیشتر از پادشاهان خود الگو می‌گرفتند و به تعبیری بر دین ملوک خویش بودند. در طرح جامعه آرمانی سعدی و فارابی هدف مشترک به سعادت رساندن مردم است، اگرچه فارابی به توصیف مدینه فاضله‌ای می‌پردازد که مردم آن به سعادت رسیده‌اند. براساس این، هر دو اندیشمند به جامعه ایده‌آل، نگاهی ابزاری دارند و هدفشان دست‌یافتن به سعادت اخروی است. ویژگی بارز جامعه ایده‌آل هر دو حکیم، حکم‌فرمابودن عدالت کامل بر آن است؛ زیرا در واقعیت خلأ میان جوامع زمان ایشان با آرمان‌شهر را از بی‌عدالتی می‌بینند.

با وجود شباهت‌هایی که در نظریات سعدی و فارابی در چگونگی تحقق حکومت مطلوب به چشم می‌خورد، اما در ساختار کلی تفاوت‌هایی نیز با هم دارند. هدف سعدی سخنان حکیمانه خود، اصلاح پادشاه است تا این جامعه ایده‌آل به تدریج محقق شود؛ اما فارابی مدینه فاضله را تحقق یافته تلقی می‌کند و به بیان ماهیت آن با تکیه بر رئیس زمانی می‌پردازد. این تفاوت، ریشه در نوع نگرش شاعر و فیلسوف به جامعه دارد. نگاه فارابی با آرمان‌گرایی همراه است؛ بنابراین در اندیشه آرمانی وی مدینه فاضله به مرحله کمال رسیده است. در حالی که نگاه آرمانی سعدی با آرمان‌گرایی و عمل‌گرایی عجین شده و جامعه ایده‌آل وی در مسیر ایده‌آل شدن در حرکت است. سعدی به جای

وصف این مدینه، در قالب پند و اندرز از راهکارهای رسیدن به آن سخن می‌گوید. به‌همین دلیل است که وی در آثار خود آرمان‌شهر خاصی را نشان نمی‌دهد، اما دقت و حساسیت او نسبت به جامعه و گروه‌های مختلف آن، بیانگر آن است که جامعه را به‌خوبی می‌بیند و فاصله آن را با جامعه ایده‌آل احساس می‌کند.

تفاوت دیگری که در ساختار نظریه‌های آرمان‌شهری سعدی و فارابی مشاهده می‌شود، این است که سعدی برخلاف فارابی در طراحی نظریه‌هایش نظم و ترتیب خاصی ندارد و به‌طور پراکنده در آثارش به آن‌ها پرداخته است. سعدی معتقد است که تحقق شهر مطلوب با عملی شدن راهکارهایی که وی آن‌ها را به مردم و در رأس آن پادشاهان توصیه می‌کند، امکان‌پذیر است؛ اما با بررسی مدینه فاضله فارابی چنین برداشت می‌شود که وی تحقق چنین شهری را امکان‌پذیر نمی‌داند. فارابی پس از برشمردن ویژگی‌های رئیس مدینه فاضله اقرار می‌کند که یافتن انسانی که همه این ویژگی‌ها را یک‌جا داشته باشد ممکن نیست، به‌همین سبب به وجود چند نفر که این ویژگی‌ها در آن‌ها جمع باشد به‌متابۀ رهبر جامعه رضایت می‌دهد. در مجموع می‌توان گفت که سعدی و فارابی هر دو طراحان جامعه آرمانی هستند که با وجود آرمان‌گرایی، به واقعیت‌گرایی نیز گرایش دارند.

۴. پی‌نوشت‌ها

(۱) مصلح بن عبدالله سعدی شیرازی از بزرگ‌ترین شاعران کلاسیک ایران و جهان است. وی در سال ۶۰۲ یا ۶۰۶ در شیراز به دنیا آمده و برای تکمیل تحصیلات به نظامیه بغداد رفت؛ اما به دلیل حمله مغول، بیش از سی سال از زندگی‌اش را در بازه ۶۲۰-۶۵۵ در عراق و شام و فلسطین زیست و در زندگی خویش تجربه‌ای انسانی و مطالعات فکری از سه حوزه تمدنی ایران، اسلام و روم اندوخت تا آنجا که می‌توان جهان‌بینی او را ترکیبی از تجربه و جهان‌دیدگی و مطالعات فکری و میراث ادبی و حکمی جهان آن روز دانست. مهم‌ترین آثار وی بوستان، گلستان و غزلیات است. از این میان بوستان و گلستان او را باید فصولی از اندیشه‌های حکمی شاعر برپایه شعر و نثر ادبی و حکایت دانست. سعدی در سال ۶۹۰ یا ۶۹۲ در شیراز درگذشت.

(۲) ابونصر محمد بن محمد فارابی در سال ۲۵۹ هـ ق در فاراب به دنیا آمد و در سال ۳۳۹ هـ ق در دمشق درگذشت. وی از شخصیت‌های بارز و جامع‌الاطراف تاریخ تمدن ایرانی و اسلامی است و اندیشه‌های او تأثیر شگرفی بر سیر فرهنگ و اندیشه پسینان گذاشت تا آنجا که او را «معلم ثانی» خوانده‌اند و فیلسوف بزرگ ابن‌سینا وی را استاد خویش خوانده است. از مهم‌ترین مباحث مورد نظر او حکمت و بحث درباره ماهیت عقل، عدل و طرح موضوع مدینه فاضله و مدینه جاهله است. از مهم‌ترین آثار وی می‌توان *السیاسة المدنیة، رساله فی السیاسة، آراء اهل مدینه الفاضله، الفصول المنتزعة و احصاء العلوم* را نام برد.

منابع

- آذر، اسماعیل (۱۳۷۵). *سعدی‌شناسی*. تهران: میترا.
- اصیل، حجت‌الله (۱۳۸۱). *آرمان‌شهر در اندیشه ایرانی*. تهران: نشر نی.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۸). *درآمدی بر نظام سیاسی عدالت در اسلام*. به‌اهتمام علی‌اکبر علیخانی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی اجتماعی.
- پازارگاد، بهاء‌الدین (۱۳۴۴). *مکتب‌های سیاسی و فرهنگ مختصر عقاید و مرام‌های سیاسی به‌ترتیب حروف الفبا*.

تهران: اقبال.

جوکار، نجف (۱۳۸۵). جامعه آرمانی در نگاه سعدی و فارابی. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، (۴۸)، ۸۴-۶۹

حمیدی، محمد محسن (۱۳۸۶). آرام و بی‌قرار: فرهنگ سیاسی در ادبیات فارسی. مشهد: خانه آبی.

----- (۱۳۷۹). بیم و امید: رویکردهای سیاسی در ادبیات فارسی. تهران: سفیر.

حیدری، فاطمه (۱۳۸۷). چشم‌اندازهای آرمان‌شهر در شعر فارسی (با تکیه بر آثار نظامی، عطار، سعدی و جامی). تهران: دانش نگار.

رافائل، ماکس (۱۳۷۹). نگاهی به تاریخ ادبیات جهان (تاریخ رئالیسم). ترجمه محمد تقی فرامرزی. تهران: شباهنگ.

رجایی، فرهنگ (۱۳۷۱). فلسفه سیاست و مشکله ما. ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ۷ (۶۲-۶۱)، ۴-۱۰.

سعدی، مصلح بن عبدالله (۱۳۸۳). کلیات سعدی. تدقیق در متن و مقدمه از حسن انوری. تهران: قطره.

----- (۱۳۷۰). کلیات شیخ سعدی. تصحیح محمد علی فروغی. تهران: علمی.

----- (۱۳۸۸). گلستان سعدی. تصحیح غلامحسین یوسفی. تهران: خوارزمی.

طباطبایی، سیدجواد (۱۳۸۳). زوال اندیشه سیاسی در ایران گفتار در مبنای نظری انحطاط ایران. تهران: کویر.

فارابی. ابونصر محمد (۱۳۷۹). سیاست مدنی. ترجمه سید جعفر سجادی. چاپ سوم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

----- (۱۳۶۱). آراء اهل المدینه الفاضله. ترجمه سید جعفر سجادی. تهران: کتابخانه طهوری.

----- (۱۳۶۹). احصاء العلوم. ترجمه حسین خدیو. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

----- (۱۹۸۶). فصول منتزعة. بیروت: دار المشرق.

فرزانه‌پور، حسین (۱۳۸۶). تساهل و مدارا در اندیشه سیاسی اسلام. تهران: صنم.

قادری، حاتم (۱۳۸۸). اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.

مجتبایی، فتح‌الله (۱۳۵۲). شهر زیبای افلاطون و شاهی آرمانی در ایران باستان. انجمن فرهنگ ایران باستان. تهران: کاویان.

مکارم، محمدحسن (۱۳۷۷). مدینه فاضله در متون اسلامی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

مهاجرنیا، محسن (۱۳۸۰). اندیشه سیاسی فارابی. قم: بوستان کتاب.

نظری، نجمه (۱۳۸۹). مقایسه آرمان‌شهر فردوسی و سعدی. فصلنامه علمی عمومی زبان و ادب فارسی (گرایش عرفان): ادبستان، ۱ (۲)، ۱۲۰-۱۳۰.

نقی‌پور، علی‌اکبر (۱۳۵۲). رئالیسم و تکامل تاریخی آن. بی‌جا.



بحوث في الأدب المقارن (الأدبين العربي والفارسي)

جامعة رازي، السنة التاسعة، العدد ۳۳، ربيع ۱۴۴۰، صص. ۵۸-۳۹

المثاليّة والواقعيّة نحو القضايا الاجتماعيّة والسياسيّة على أساس آراء سعدي وفارابي (دراسة مقارنة)

معصومه شعباني^١

ماجستير في فرع اللغة الفارسيّة وآدابها، جامعة بيرجند، ايران

على أكبر سام خانياني^٢

أستاذ مشارك في قسم اللغة الفارسيّة وآدابها، جامعة بيرجند، ايران

حسين فرزانهپور^٣

أستاذ مساعد في قسم العلوم السياسيّة، جامعة بيرجند، ايران

القبول: ۱۴۴۰/۹/۸

الوصول: ۱۴۴۰/۶/۴

الملخص

لقد انقسمت عبر التاريخ رؤى الأدباء والمفكرين نحو القضايا السياسيّة والاجتماعيّة بين المثاليّة والواقعيّة. النظرة المثاليّة تنوّجه في الاغلب إلى العوالم العلويّة والأمور المحيّرّة والانتزاعيّة ولا عبّارة لها بما يرتبط بالعالم السفلي وواقع الحياة الدنيّا. في المقابل أنّ الواقعيين يتشبّهون بالأرض محاولين العثور على معرفة حقيقيّة عن قدراتهم وإمكانياتهم والنظر إلى أهدافهم وغاياتهم بنظرة واقعيّة بحتة. وبما أنّ معرفة منشأ الأفكار والرؤى لها أثر كبير في تحقيق الأهداف المنشودة وبلوغ المآرب ولاسيّما بالنسبة لإقامة الحكومة المتوخّاة لذا، أنّ الوقوف على جذور آراء فارابي وسعدي يحظى بالأهميّة القصوى في إعطاء حلول مناسبة لما نعيشه اليوم من مشاكل سياسيّة واجتماعيّة. بناء على ذلك أنّ الهدف الرئيس الّذي نتوخّاه عبر هذا البحث هو كشف التّناقض عمّا ورد في آثار سعدي من التّضائح بشأن الحكومة وتدبير البلاد ومقارنته بما جاء في كلمات فارابي بخصوص مدينته المثاليّة أو مدينة أحلامه. ويتمّ بطبيعة الحال تسليط الضّوء على آراء كلّ من الأدبيين فيما يتعلّق بمدينة الأحلام. والمنهج الّذي اعتمدناه في بحثنا هذا هو المنهج الوصفي التحليلي والمقارن بين رؤية سعدي القائمة على أساس الواقعيّة تجاه الحياة ورؤية فارابي المبنية على المثاليّة ومن أهمّ النتائج الّتي تمخضت عنها هذه الدراسة هي أنّ رؤية سعدي تجمع في الأغلب بين البراكمتية والمثاليّة إحيائاً في حال أنّ رؤية فارابي تميل صوب المثاليّة وإحيانا الواقعيّة إلا أنّ الأمثلة والتّماذج الّتي وظفها الأدبيان في آثارها تختلف مع بعضها.

المفردات الرئيسيّة: الأدب المقارن، دراسات بين الفروع، الواقعيّة، مدينة الأحلام، سعدي، فارابي.